

مناجات خمس عشر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناجات خمس عشرة [یعنی مناجات‌های پانزده‌گانه] از مولای ما علی بن الحسین (علیه السلام) است، علامه مجلسی رحمة الله علیه در کتاب «بحار الانوار» فرموده است: من این مناجات را به روایت از آن حضرت در کتاب‌های بعضی از علما (رضوان الله علیهم) یافتم.

مناجات اول: راز و نیاز توبه کنندگان

المناجاة الاولى: مناجاة التائبين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛

إِلٰهِی اَلْبَسْتَنِی الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِی، وَجَلَّلَنِی التَّبَاعُدُ مِنْكَ
لِبَاسَ مَسْکِنَتِی، وَآمَاتَ قَلْبِی عَظِیْمُ جِنَايَتِی، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ
مِنْكَ يَا أَمَلِی وَبُغْيَتِی، وَيَا سُوْلِی وَمُنِيَّتِی، فَوَعِزَّتِكَ مَا أَجْدُ
لِذُنُوبِی سِوَاكَ غَافِرًا، وَلَا أَرَى لِكَسْرِی غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ
خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ بِالْأَسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ، فَإِنْ

طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ
أَعُوذُ؟ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ مِنْ سُوءِ
عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي .

خدایا! گناهان بر من لباس خواری پوشانده و دوری از تو جامه
درماندگی بر تنم پیچیده و بزرگی جنایتم دلم را میرانده،
پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و
خواسته‌ام و امیدم، به عزّتت سوگند برای گناهانم آمرزنده‌ای جز
جز تو نمی‌یابم و برای دل‌شکستگی‌ام جبران‌کننده‌ای جز
تو نمی‌بینم، به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم و با
ذلّت و خواری، به درگاهت تسلیم شدم، اگر مرا از درگاهت
برانی به که روی آورم؟ و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه
برم؟ در این حال افسوس از شرمندگی و رسوایی‌ام و دریغ از
زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم،

أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، أَنْ
تَهَبَ لِي مُوَبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَلَا
تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ، وَلَا تُعْرِنِي
مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسَتْرِكَ .

ای آمرزنده گناهان بزرگ و ای جبران‌کننده استخوان

شکسته، از تو درخواست می‌کنم که گناهان تباه‌کننده‌ام را بر من ببخشایی و بر من بپوشانی پنهان‌کاری‌های رسواکننده‌ام را و مرا در عرصه قیامت از نسیم گذشت و آمرزش بی‌بهره مگذاری و از پوشش زیبای چشم‌پوشی‌ات عریان و بی‌پوشش رها نسازی،

إِلَهِي ظَلَلْتُ عَلَى ذُنُوبِي عَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ؛

خدایا سایه رحمتت را بر گناهانم بینداز و ابر مهربانی‌ات را به‌سوی عیب‌هایم گسیل کن؛

إِلَهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبْقُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ؟ أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ؟ إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ، وَإِنْ كَانَ الْأَسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ .

خدایا! آیا برده فراری جز به‌جانب مولایش باز می‌گردد؟ یا کسی به او از خشم مولایش، جز مولایش پناه می‌دهد؟ خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس به عزتت سوگند که من از پشیمانانم و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فروریختن خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم،

حق رضایت با توست تا راضی شوی،
 إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبَّ عَلَيَّ، وَبِحِلْمِكَ عَلَيَّ اعْفُ عَلَيَّ،
 وَبِعِلْمِكَ بِي ارْفُقْ بِي . إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ
 بَاباً إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، فَقُلْتَ: ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً
 نَصُوحاً﴾؛ فَمَا عُدْرٌ مَنْ أَعْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ؟ إِلَهِي
 إِنْ كَانَ قَبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ .
 خدایا با قدرتت بر من، توبه‌ام را بپذیر و با بردباری‌ات
 نسبت به من، از من درگذر و با آگاهی‌ات از حال من، با
 من مدارا فرما، خدایا تویی که به روی بندگانت دری به‌سوی
 بخششت گشودی و آن را توبه نامیدی و خود فرمودی:
 «بازگردید به‌جانب خدا، بازگشتی خالصانه»؛ پس عذر
 کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت
 ورزد چه می‌تواند باشد؟ خدایا اگر نافرمانی و گناه از بنده‌ات
 زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست،

إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلٍ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيَّ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ
 فَجُدْتُ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ، يَا عَظِيمَ
 الْبِرِّ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السَّرِّ، يَا جَمِيلَ السُّرِّ، اسْتَشْفَعْتُ
 بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ،

فَأَسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي، بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا نخستین کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف‌کننده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نهان، ای زیبا پرده‌پوش، به جود و کرمت به‌سوی تو شفاعت می‌جویم و توسل می‌کنم نزد تو، به فضل و رحمت دعایم را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز و توبه‌ام را بپذیر و با احسان و مهتر خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات دوم: راز و نیاز شاکیان

المناجات الثانية: مناجاة الشاكين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً،

وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْأَلُكَ بِي مَسَالِكَ
 الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ
 الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّحُ، مَيَّالَةً
 إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى
 الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ .

خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان می‌دهد به تو شکایت می‌کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آزمند به انجام گناهان و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می‌کشاند و هستی‌ام را نزد تو از پست‌ترین تباه‌شدگان قرار می‌دهد، بیماری‌هایش بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزندی به او در رسد بی‌تابی می‌کند و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می‌ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به‌تندی به‌جانب گناه می‌راند و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می‌کند،

إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ
 بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي، وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ لِي
 الْهَوَى، وَيَزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ

وَالرَّزْفَى؛

خدایا از دشمنی که گمراهم می‌کند و از شیطانی که به بی‌راهه‌ام می‌برد به تو شکایت می‌کنم، شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته و زمزمه‌های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می‌کند و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می‌بخشد و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند؛

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا، وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبْحِ مُتَلَبِّسًا، وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ حَوْفِكَ جَامِدَةً، وَإِلَى مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً .

خدایا از دل همچون سنگی که با وسوسه زیرورو می‌شود و به آلودگی گناه و سیاهی نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می‌کنم، خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده و در عوض به منظری که خوش آیند آن است خیره گشته به تو گلیه می‌کنم،

إِلَهِي لَاحْوَالَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، فَأَسْأَلُكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَنَفَاذِ مَشِيئَتِكَ، أَنْ لَاتَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا، وَلَا تُصَيِّرْنِي

لِلْفِتَنِ غَرَضًا، وَكُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ ناصِرًا، وَعَلَى الْمَخَازِي
وَالْعُيُوبِ سَاتِرًا، وَمِنَ الْبَلَاءِ واقِيًا، وَعَنِ الْمَعَاصِي عاصِمًا،
بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست، راه
نجاتی از گرفتاری‌های دنیا جز نگهداری تو برایم نمی‌باشد،
از تو خواستارم به رسایی حکمتت و نفوذ اراده‌ات که مرا جز
جودت در معرض چیزی قرار ندهی و هدف فتنه‌ها نگردانی
و علیه دشمنانم یاور باشی و پرده‌پوش رسوایی‌ها و عیوبم
گردی و از بلا نگهدار و از گناهان بازدارنده‌ام باشی، به مهر و
رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات سوم: راز و نیاز ترسیدگان

المناجاة الثالثة: مناجاة الخائفين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی
است؛

إِلَهِي أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي؟ أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ
تُبَعِّدُنِي؟ أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي؟ أَمْ

مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَلِّمُنِي؟ حَاشَا لِيُوجِّهَكَ الْكَرِيمِ أَنْ
تُخَيِّبَنِي .

خدایا آیا چنین می‌نمایی که پس از ایمانم به تو، عذابم
نمایی؟ یا پس از عشقم به تو، از خود دورم سازی؟ یا با
امید به رحمت و چشم‌پوشی‌ات محرومم سازی؟ یا با پناه
جویی‌ام به گذشتت رهایم نمی‌ی؟ هرگز چنین نیست! از
ذات بزرگواریت به دور است که محرومم کنی،

لَيْتَ شِعْرِي أَلِلَّشَّقَاءَ وَوَلَدْتَنِي أُمِّي؟ أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي؟ فَلَيْتَهَا
لَمْ تَلِدْنِي، وَلَمْ تُرَبِّبْنِي، وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ
جَعَلْتَنِي، وَبِقُرْبِكَ وَجَوَارِكَ خَصَصْتَنِي، فَتَقَرَّرَ بِذَلِكَ عَيْنِي،
وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي .

ای کاش می‌دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا
آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است؟ اگر
چنین است کاش مرا نزاده و پرورانده بود و ای کاش آگاه
بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت
اختصاص داده‌ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم
آرام گیرد؟

إِلٰهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ؟ أَوْ تُخْرِسُ

اَلْسِنَّةَ نَطَقْتَ بِالثَّنَاءِ عَلٰی مَجْدِكَ وَجَلَالَتِكَ؟ اَوْ تَطْبَعُ عَلٰی
 قُلُوْبٍ اَنْطَوَتْ عَلٰی مَحَبَّتِكَ؟ اَوْ تُصِمْ اَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ
 ذِكْرِكَ فِيْ اِرَادَتِكَ؛

خدایا آیا چهره‌هایی که در برابر عظمتت سجده‌کنان به
 خاک افتاده سیاه می‌کنی؟ یا زبان‌هایی را که برای بزرگی
 و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می‌نمایی؟ یا بر
 دل‌هایی که به محبتت پیچیده شده مهر می‌زنی؟ یا
 گوش‌هایی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذت برده؟
 ناشنوا می‌کنی؟

اَوْ تَعْلُوْا اَكْفًا رَفَعْتَهَا الْاَمَالَ اِلَيْكَ رَجَاءَ رَافَتِكَ؟ اَوْ تُعَاقِبُ
 اَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتّٰی نَحَلْتْ فِيْ مُجَاهَدَتِكَ؟ اَوْ تُعَذِّبُ
 اَرْجُلًا سَعَتْ فِيْ عِبَادَتِكَ؟ اِلٰهِيْ لَا تُغْلِقْ عَلٰی مُوَحِّدِكَ اَبْوَابَ
 رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْجُبْ مُشْتَاقِيْكَ عَنِ النَّظْرِ اِلٰی جَمِيْلِ رُوْبِيَّتِكَ.
 یا دست‌هایی را که آرزوهای به امید مهرورزی‌ات، به سویت
 بلند کرده به زنجیر می‌بندی؟ یا بدن‌هایی را که در طاعتت
 کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی‌ات لاغر شده،
 مجازات می‌کنی؟ یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده،
 به عذاب دچار می‌نمایی؟ خدایا درهای رحمتت را بر

یکتاپرستان مبند و شیفتگان را از نگاه به زیبایی دیدارت
محروم مساز،

إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْجِيدِكَ كَيْفَ تَذِلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ
؟ وَضَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ ؟
إِلَهِي أَجْرَنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ، يَا حَنَّانُ يَا
مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ، يَا عَفَّارُ يَا سَتَّارُ،
نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَفَضِيحَةِ الْعَارِ، إِذَا امْتَاَزَ
الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ، وَقَرَّبَ
الْمُحْسِنُونَ وَبَعَدَ الْمُسِيئُونَ، ﴿وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾.

خدایا جانی را که به توحیدت عزت بخشیدی، چگونه به
خواری هجرانت ذلیل می کنی و باطنی که بر دوستی ات
پیمان بسته، چگونه به سوز آشتت می سوزانی؟ خدایا،
از دردناکی خشم و بزرگی ناخشنودی ات پناهم ده، ای
پرمهر، ای منت گذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبار،
ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده پوش، به مهتر مرا از شکنجه
آتش و رسوایی ننگ، رهایی بخش، آنگاه که نیکان از بدان
جدا شوند و حالتها دگرگون گردد و هراسنده ها بهراسند

و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند و بدکاران از آن دور گردند و به هرکسی برابر آنچه انجام داده، جزای برآورنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود.

مناجات چهارم: راز و نیاز امیدواران

المناجات الرابعة: مناجاة الرّاجين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَّلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنَاهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَبَهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيَّ ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ .

ای آن که هرگاه بنده‌ای از او بخواهد عطایش کند و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند، به آرزویش برساند و زمانی که به او روی آورد، مقرب و نزدیکش کند و گاهی که تظاهر به گناه کند، گناهِش را پرده‌پوشی نماید و آنگاه که بر او توکل نماید، او را بس باشد و کفایت کند،

إِلَهِي مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ؟ وَمَنْ الَّذِي

أَنَاخِ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ؟ أَيَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ
بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْإِحْسَانِ
مَوْصُوفًا؟! كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ؟ وَكَيْفَ أُؤَمِّلُ
سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ؟! أَأَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي
مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ؟ أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَيَّ مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ
بِحَبْلِكَ؟

خدای من، کیست که بر آستانت وارد شده و خواهان
مهمان‌پذیری‌ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی و
کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوتت به درگاهت
خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی؟ آیا خوشایند
است که از درگاهت با محرومیت بازگردم، درحالی‌که جز
تو سروری که به احسان متصف باشد نشناسم؟ چگونه به
غیر تو امید بندم درحالی‌که هر خوبی به دست توست و
چگونه جز تو را آرزو کنم درحالی‌که آفرینش و فرمان خاص
تو است؟ آیا امیدم را از تو بپریم درحالی‌که از روی احسان
آنچه از تو نخواستیم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند
خودم محتاجم می‌کنی درحالی‌که به رشته محکمت چنگ
می‌زنم؟

يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشُقَّ بِنِقْمَتِهِ
 الْمُسْتَغْفِرُونَ؛ كَيْفَ أَنْسَاكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي؟! وَكَيْفَ أَلْهُو
 عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي!؟

ای آن که قصدکنندگان به رحمتش خوشبخت شدند
 و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند؛ چگونه
 فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده‌ای و چگونه از تو
 غافل شوم که تو نگهبانم هستی،

إِلَهِي بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي، وَ لِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ
 أَمْلِي، فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ
 عِبِيدِكَ،

خدای من دستم را به دامن کرمت آویختم و برای رسیدن
 به عطایات سفره آرزویم را گستردم، مرا به خلوص توحیدت
 خالص کن و از بندگان برگزیده‌ات قرار ده،

يَا مَنْ كُلُّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ
 مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمِلُهُ،
 يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيِهِ، وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيِهِ، أَسْأَلُكَ
 بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ
 رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ

عَلَىٰ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَتَجَلُّوْا بِهِ عَنِّ بَصِيْرَتِي عَشَوَاتِ الْعَمَىٰ،
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

ای آن‌که هر گریزانی به او پناه می‌جوید و هر جوینده‌ای به او امید می‌بندد، ای بهترین امیدبخش، ای کریم‌ترین خواننده، ای آن‌که پرستنده‌اش برگردانده نشود و آرزومندش محروم نگردد، ای آن‌که در رحمتش به روی خوانندگان باز است و پرده درگاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می‌خواهم به بزرگواری‌ات که ببخشی از عطای خود بر من آن‌چنان‌که دیده‌ام به آن روشن شود و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه‌ای که نهادم آرامش یابد و از یقین آن‌چنان بر من منت نهی که با آن ناگواری‌های دنیا را برایم آسان نمایی و با آن از دیدگان دلم پرده‌های نابینایی را برگیری، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات پنجم: راز و نیاز مشتاقان و دلدادگان

المناجات الخامسة: مناجاة الراغبين

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی

است؛

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي
بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخْفَانِي مِنْ عُقُوبَتِكَ،
فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي
قَدْ عَرَّضَنِي لِعِقَابِكَ، فَقَدْ آذَنَنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ، وَإِنْ
أَنَا مَتْنِي العَفْلَةَ عَنِ الاستِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي المَعْرِفَةُ
بِكْرَمِكَ وَآلَائِكَ، وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطُ العِصْيَانِ
وَالتُّغْيَانِ، فَقَدْ أَنَسَنِي بُشْرَى العُفْرَانِ وَالرِّضْوَانِ؛

خدایا هرچند در آمدن به سویت توشه‌ام اندک است ولی،
گمانم بر توکل به تو همواره نیکو است و هرچند گناهم
مرا از عذاب تو به هراس افکنده، ولی چشم امیدم ایمنی
از انتقامت را به من خبر می‌دهد و هرچند نافرمانی‌ام مرا
در معرض عذابت قرار داده، ولی حُسن اعتماد مرا به
پاداشت آگاهی می‌دهد و هرچند بی‌خبری مرا از آمادگی
برای دیدارت به خواب غفلت انداخته، ولی آشنایی به کرم
و عطاهایت مرا بیدار نموده است و اگر زیاده‌روی در گناه
سرکشی، میانه من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و
خشنودی‌ات با من انس گرفته است؛

أَسْأَلُكَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِكَ وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ، وَأَبْتَهْلِ إِلَيْكَ
بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ، وَلَطَائِفِ بَرِّكَ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلَهُ
مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ، وَجَمِيلِ إِنْعَامِكَ، فِي الْقُرْبَى مِنْكَ وَالزَّلْفَى
لَدَيْكَ، وَالتَّمَتُّحِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ، وَهَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ
وَعَطْفِكَ، وَمُنْتَجِعُ عَيْثَ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فَارٌّ مِنْ سَخَطِكَ
إِلَى رِضَاكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوِّلٌ
عَلَى مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ إِلَى رِعَايَتِكَ .

از تو می خواهم به درخشش های جلوهات و به انوار قدست
و هم به سویت زاری می کنم به عواطف مهرت و لطایف
احسانت که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزومندم
از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرب به تو و نزدیکی
به بارگاهت و بهره مندی از نگاه به سویت، هم اینک متعرض
نسیم های رحمت و توجه تو و خواهان باران جود و لطف
بی پایان تو می باشم و از خشمت به سوی خشنودی ات
گریزان و از تو به سوی خودت فراری ام، نیکوترین چیزی را که
نزدت توسست امید دارم، بر بخشش هایت اعتماد می نمایم، به
عنایتت نیازمندم،

إِلَهِي مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَّهُ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ

كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْهُ، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا
عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحٍ فَعَلِي فَاغْفِرْهُ؛

خدایا آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان
و آنچه را از کرمت به من دادی از من مگیر و آنچه را با
بردباریات بر من پوشاندی آشکار مکن و آنچه را از زشتی
کردارم دانستی بیامرز؛

إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ، أَتَيْتَكَ
طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَابِلَ
طَوْلِكَ، مُسْتَمْطِراً عَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قاصِداً
جَنَابِكَ، وَارِداً شَرِيعةَ رِفْدِكَ، مُلْتَمِساً سِنِيَّ الْخَيْرَاتِ مِنْ
عِنْدِكَ، وَافِداً إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِيداً وَجْهَكَ، طَارِقاً
بَابَكَ، مُسْتَكِيناً لِعِظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ
وَالنَّفَمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا! از تو به تو شفاعت می‌جویم و از تو به تو پناهنده
می‌شوم، با امید بسیار به احسانت به‌سوی تو آمدم، به
خوبی‌هایت که بر من منت گذاری دل‌بسته‌ام، به فراوانی
کرمت تشنه‌ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودیات را

خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایت وارد
آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم، به جانب
حضرت جمالت روانم، ذاتت را اراده دارم، کوبنده درِ رحمت
هستم، درمانده‌ام در برابر شکوه و جلالت، با من از آمرزش
و رحمت آن‌گونه کن که شایسته آنی و نه آن‌گونه که سزاوار
عذاب و انتقامم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات ششم: راز و نیاز سپاس گزاران و شاکران

المناجاة السادسة: مناجاة الشاکرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی
است؛

إِلٰهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلِكَ، وَأَعْجَزَنِي عَنْ
إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ
تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ، وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ،
وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ،
وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ، وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ
الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا يَخِيْبُ قَاصِدِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فِنَائِهِ

آمَلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ، وَبِعَرَصَتِكَ تَقِفُ آمَالُ
 الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ آمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَالْإِيَّاسِ، وَلَا تَلْبِسْنَا
 سِرْبَالَ الْقَنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ؛

خدایا، پیاپی آمدن کرمت، برپاداشتن سپاست را از یاد من
 برد و فراوانی بخششت، مرا از شمارش ستایشت درمانده
 ساخت و در پی هم آمدن احسانت، مرا از یاد اوصاف
 نیکت بازداشت و پشت هم رسیدن نعمت‌هایت مرا از
 گسترش خوبی‌هایت درمانده نمود، این است جایگاه
 آن‌که به برازندگی نعمت‌های تو در برابر آن به کوتاهی خود
 اعتراف دارد و به زیان خود به سستی در بندگی و هدر دادن
 نعمت‌ها گواهی می‌دهد و تویی دلجو، مهربان، نیکوکار،
 کریم که خواهنده‌اش را محروم نمی‌کند و آرزومندش را از
 درگاهش نمی‌راند، به آستانت فرود می‌آید، بار امیدواران
 و در درگاه رحمت تو می‌ایستد، آرزوهای عطاخواهان، پس
 آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز و جامه
 ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما میپوشان؛

إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ أَلَائِكَ شُكْرِي، وَتَضَاعَلَ فِي جَنْبِ
 إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَنَشْرِي، جَلَّلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ

حَلَاءً، وَضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفُ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَاءً، وَقَلَّدْتَنِي
 مِنْكَ قَلَائِدَ لِاتِّحَلُّ، وَطَوَّقْتَنِي أَطَوَاقًا لِاتَّقَلُّ، فَالْأُوَكَّ جَمَّةٌ
 ضَعْفَ لِسَانِي عَنِ إِحْصَائِهَا، وَنَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصَرَ فَهْمِي
 عَنِ إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنِ اسْتِقْصَائِهَا؛ فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ
 الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ؟ فَكَلَّمَا قُلْتَ لَكَ
 الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ.

خدایا در برابر بزرگی نعمت‌هایت، سپاسم کوچک می‌نماید
 و در کنار اکرامت بر من، ستایش و گزارشم از آن خود را
 پست و ناچیز نشان می‌دهد، نعمت‌هایت از انوار ایمان،
 زینت‌هایی به من پوشاند و لطایف نیکی‌ات خیمه‌هایی از
 عزت بالای سرم افراشت و عطا‌هایت گردنبند‌های زیبنده‌ای
 به گردنم افکند که هرگز باز نشود و طوق‌هایی بر من آویخت
 که به هیچ روی گسسته نگردد، عطا‌های انبوهت زبانم را از
 شمردنش ناتوان ساخته و نعمت‌های فراوانت فهمم را از
 دریافتشان کوتاه نموده تا چه رسد به بررسی کامل آن‌ها؛
 سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است درحالی‌که
 سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس
 هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به

خاطر آن باز بگویم تو را سپاس،
 إِلَهِي فَمَا غَدَيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمَّمْ عَلَيْنَا
 سَوَابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النَّقْمِ، وَآتِنَا مِنْ حُظُوظِ
 الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا عَاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
 حُسْنِ بِلَائِكَ، وَسُبُوغِ نِعْمَائِكَ، حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي
 الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ.

خدا همان‌گونه که ما را به لطفت طعام دادی و با احسانت
 پروریدی، پس نعمت‌های سرشارت را بر ما به انجام رسان
 و ناگواری‌های ناخوشایند را از ما دور کن و از بهره‌های هر
 دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما
 عنایت کن، تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمت‌های
 سرشارت، سپاسی که درخور خشنودیت باشد و خیر
 وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به
 مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات هفتم: راز و نیاز فرمانبران و اهل اطاعت خدا

المناجاة السابعة: مناجاة المطيعين لله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛

اللَّهُمَّ أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ، وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَحْلِلْنَا بَحْبُوحَةَ جَنَانِكَ، وَأَقْشَعْ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ الرِّيَابِ، وَاكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمِرْيَةِ وَالْجَبَابِ، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَن صَمَائِرِنَا، وَأَثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ، وَمُكْدَرَةٌ لِّصَفْوِ الْمَنَائِحِ وَالْمِنَنِ .

خدایا، فرمانبری‌ات را به ما الهام فرما و ما را از نافرمانیت دور کن و راه رسیدن به آنچه از خشنودی‌ات آرزو مندیم آسان کن و ما را در میان بهشت‌هایت جای ده و از برابر دیدگان دل‌هایمان، ابرهای شک و دودلی را بزدای و از قلوبمان پرده‌های تردید و کوردلی را کنار زن و از نهادمان باطل را زایل کن و حق را در درون ما استوار گردان، زیرا شک‌ها و گمان‌ها، بارور کننده‌ی آشوب‌ها و تیره کننده‌ی عطاها و بخشش‌های

زلال و بی‌آلایش‌اند،

اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سُفْنِ نَجَاتِكَ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ،
وَأُورِدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ؛ وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَقُرْبِكَ، وَاجْعَلْ
جِهَادَنَا فِيكَ، وَهَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ، وَأَخْلِصْ نِيَّاتَنَا فِي
مُعَامَلَتِكَ، فَإِنَّا بِكَ وَلَكَ وَلَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ .

خدایا ما را بر کشتی‌های نجاتت بنشان و از لذت راز و
نیازت بهره‌مند گردان و به حوض‌های دوستی‌ات وارد کن؛ و
شیرینی محبت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را
در راهت و همتان را در طاعتت قرار ده و نیت‌هایمان را در
معامله با خود خالص گردان، چراکه ما با تو و از تویم و برای
ما وسیله‌ای جز به‌سوی تو نیست،

إِلَهِي اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ، وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ
الْأَبْرَارِ، السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ،
الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ،
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَإِلِإِجَابَةِ جَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

خدایا، مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده و به شایستگان
نیکوکار ملحق کن، هم آنان‌که به بندگی پیشی گرفتند و

به‌سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش کردند و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند، همانا تو بر هر چیز توانایی و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات هشتم: راز و نیاز ارادتمندان

المناجاة الثامنة: مناجاة المریدین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛

سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْصَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ؟!

منزهی تو، چه تنگ است راه‌ها بر کسی که تو راهنمایش نباشی و چه آشکار است حق، نزد کسی که راه را نشانش دادی،

إِلَهِي فَاسْأَلُكَ بِمَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ، قَرَّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ، وَأَلْحِقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ،

وَبَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ،

خدایا، ما را به راه‌های رسیدن به سرایت بکشان و ما را از نزدیک‌ترین راه‌های ورود به بارگاہت ببر، دور را بر ما نزدیک کن و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان و ما را به آن بندگان که با چالاک‌ی به‌سویت می‌شتابند و همواره در رحمت را می‌کوبند، ملحق نما،

وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرَّغَائِبَ؛ وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ، وَقَضَّيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَآرِبَ، وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ، فَبِكَ إِلَيَّ لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا،

آن‌ان که در هر شب و روز تو را عبادت می‌کنند و از هیبتت در هراسند، بندگان‌ی که آبشخورها برای آن‌ان زلال کردی و به خواسته‌هایشان با کامیابی رساندی؛ و آن‌ان را بر جوینده‌هایشان کامروا نمودی و از روی فضلت حاجاتشان را برآوردی و نهادشان را از محبتت آکنده ساختی و از زلال چشمه‌ات سیرابشان نمودی، این‌ان به‌وسیله تو به لذت مناجات دست یافتند و از حسن عنایت تو دورترین

مقاصدشان را فرا چنگ آوردند،

فِيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ
مُفْضِلٌ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْوْفٌ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَىٰ بَابِهِ
وَدُودٌ عَطُوفٌ،

ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش، روی آورد و با
مهرورزی بر ایشان روی آور و بخشنده است و به غفلت
ورزان از یادش، دلسوز و مهربان است و برای جلب آنان به
درگاهش با محبت و عطوفت است،

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ
مَنْزِلًا، وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدِّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ
نَصِيبًا،

از تو می‌خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از
تو دارند و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته‌اند و
از دوستی‌ات سهم برجسته‌تری به آنان رسیده و در معرفت
بهره بیشتری نصیب آنان گشته است،

فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ
لَاغَيْرِكَ مُرَادِي، وَلَكَ لِالِسِّوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي، وَ لِاقَاوِكَ قُرَّةُ
عَيْنِي، وَوَصْلِكَ مَنِي نَفْسِي؛ وَ إِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ

وَأَهْلِي، وَ إِلَيَّ هَوَاكَ صَبَابَتِي، وَرِضَاكَ بُغْيَتِي، وَرُؤْيُتَكَ
حَاجَتِي، وَجَوَارِكَ طَلْبِي، وَقُرْبُكَ غَايَةَ سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاتِكَ
رَوْحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءُ عِلَّتِي، وَشِفَاءُ غَلَّتِي، وَبَرْدُ
لَوْعَتِي، وَكَشْفُ كُرْبَتِي،

همانا همتم از همه جا بریده و تنها متوجه تو گشته است
و رغبتم به جانب تو منصرف شده است، پس تنها تو مراد
منی نه غیر تو و شب‌زنده‌داری و بی‌خوابی‌ام تنها برای
توست نه برای غیر تو و دیدارت نور دیدگان من است و
وصالت آرزوی هستی‌ام؛ و تنها به‌سوی توست اشتیاقم،
تنها در مسیر عشق توست شیفتگی‌ام و در هوای توست
دلدادگی‌ام و خشنودی‌ات مقصود من و دیدارت نیاز من
و جوارت مطلوب من و قربت نهایت خواسته من است،
آسودگی و راحت‌م در رازونیا با توست، داروی دردم و درمان
بیماری سینه‌ام و خنکای آتش قلبم و برآمدن اندوهم تنها
پیش توست،

فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقِيلَ عَثْرَتِي، وَغَافِرَ زَلَّتِي، وَقَابِلَ
تَوْبَتِي، وَمُجِيبَ دَعْوَتِي، وَوَلِيَّ عِصْمَتِي، وَمُعْنِيَ فَاقَتِي، وَلَا
تَقْطَعْنِي عَنْكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي، وَيَا

دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس در هنگام ترس همدم باش و لغزشم را نادیده گیر و گناهم را بیامرز، توبه‌ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی‌ام باش، مرا از خود جدا مکن و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات نهم: راز و نیاز شیفتگان و عاشقان

المناجاة التاسعة: مناجاة المحبين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛

إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا؟ وَمَنْ ذَا الَّذِي أُنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغِي عَنْكَ جِوَلًا؟

خدایا کیست آن‌که شیرینی محبت را چشید پس به‌جای تو دیگری را برگزید؟ و کیست آن‌که با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟

إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ

لِوُدِّكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوْقَتَهُ إِلَىٰ لِقَائِكَ، وَرَضِيَّتَهُ بِقَضَائِكَ،
وَمَنْحَتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَىٰ وَجْهِكَ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ، وَأَعَدَّتَهُ مِنْ
هَجْرِكَ وَقِلَاقِكَ، وَبَوَّأَتْهُ مَقْعَدَ الصَّدَقِ فِي جِوَارِكَ، وَخَصَّصَتْهُ
بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهَّلَتْهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّيْمَتْ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ
لِمُشَاهَدَتِكَ؛ وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ،
وَرَعَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ، وَأَوْرَعْتَهُ شُكْرَكَ،
وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ
لِمُنَاجَاتِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ .

خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب ولایتت برگزیدی و
برای دوستی و محبتت خالص نمودی و برای دیدارت مشتاق
کردی و به قضایت راضی ساختی و نعمت نگاه به جمالت
را عطایش کردی و به خشنودی‌ات مخصوص گرداندی و
از غم هجران و دوری‌ات پناه دادی و در جوارت در جایگاه
راستی جای دادی و به شناخت خود اختصاص دادی و برای
بندگی‌ات سزاوار کردی و به اراده‌ات دلباخته فرمودی و برای
تماشای جمالت برگزیدی؛ و رویش را برای خود از غیر، پاک
کردی و دلش را برای عشقت فارغ نمودی و آن را به‌سوی
آنچه نزد توست راغب فرمودی و یادت را به او الهام کردی و

شکرت را نصیبش نمودی و به طاعتت مشغول ساختی و او را از بندگان شایسته‌ات گرداندی و برای راز و نیازت انتخاب کردی و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می‌کند،

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الرِّيحُ الَّتِي تَبْرِحُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهْرُهُمُ الرِّقْرَقَةُ وَالْأَلَيْنُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعِظَمَتِكَ، وَعْيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ؛

خدایا ما را از کسانی قرار ده که شیوه‌هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است و پیشانی‌شان در پیشگاه عظمتت بر سجده و دیدگانشان در خدمتت بی‌خواب گشته است و اشکشان از خشیت تو روان و قلوبشان به عشقت آویخته و دل‌هایشان از هیبتت از جا کنده است؛

يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُجِيبِيهِ رَائِقَةٌ، وَسُبْحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُجِيبِينَ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَيْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِدًا إِلَيَّ رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا

عَنْ عَصِيانِكَ، وَآمَنْنُ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَأَنْظُرُ بِعَيْنِ الْوُدِّ
وَالْعَطْفِ إِلَيْي، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ
الْإِسْعَادِ وَالْحِطْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای آن که انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه‌گر است
و بزرگی‌های جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است،
ای آرمان دل مشتاقان، ای نهایت آروزهای عاشقان، از تو
درخواست می‌کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو
را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب
تو می‌رساند و اینکه خودت را نزد من محبوب‌تر از دیگران
قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به‌سوی خرسندی‌ات
بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی‌ات سازی،
خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منت گذار و به من
به دیده عشق و عاطفه بنگر و روی از من متاب و مرا نزد
خود از اهل خوشبختی و بهره‌مندی قرار ده، ای اجابت
کننده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات دهم: راز و نیاز توسل کنندگان

المناجاة العاشرة: مناجاة المتوسلين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛

إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعةٌ
إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقِذِ
الْأُمَّةِ مِنَ الْعُمَّةِ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَباً إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ،
وَصَيِّرْهُمَا لِي وَصْلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي
بِحَرَمِ كَرَمِكَ، وَحَطَّ طَمَعِي بِفِنَاءِ جُودِكَ، فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي،
وَاخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَحَلَلْتَهُمْ
بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ؛ وَأَقْرَبْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ
إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جِوَارِكَ .

خدایا، به پیشگاهت وسیله ای جز عواطف مهرت ندارم و
به درگاهت دست آویزی جز از آنچه از رحمتت شناخته
شده و جز شفاعت پیامبرت، پیامبر رحمت رهایی بخش
امت از رنج و ناراحتی ندارم، خدایا! این دو وسیله را برای
من سبب رسیدن به آمرزشت قرار ده و آن دو را رابطه ای

برای دستیابی به خشنودی‌ات بگردان، همانا امیدم به حریم کرمت فرود آمده و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره خودت آرزویم را محقق ساز و کارم را به خیر پایان ده و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در میان بهشت قرارشان دادی و خانه کرامتت را در اختیارشان گذاردی؛ و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به‌سوی جمال خویش روشن نمودی و جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی،

يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَأْفِدُونَ عَلَيَّ أَكْرَمَ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ
أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَوْى إِلَيْهِ
طَرِيدٌ، إِلَيَّ سَعَةَ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي، وَبِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ
كَفِّي، فَلَا تُؤَلِّنِي الْجِرْمَانَ، وَلَا تُبَلِّنِي بِالْخَيْبَةِ وَالْخُسْرَانَ، يَا
سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای آن‌که باریافتگان بر کریم‌تر از او بار نیابند و قصدکنندگان مهربان‌تر از او را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند و ای مهربان‌ترین کسی که انسان رانده به‌جانب او روی آورد، به‌سوی گستردگی عفو دست‌گذاری دراز کردم و به دامن کرمت چنگ آویختم، مرا سزاوار حرمان

مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای
مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات یازدهم: راز و نیاز نیازمندان

المناجاة الحادية عشرة: مناجاة المفتقرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی
است؛

إِلَهِي كَسْرِي لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ
إِلَّا عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي لَا يُسَكِّنُنِي إِلَّا أَمَانُكَ، وَذَلَّتِي
لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَأُمِّيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِي
لَا يُسُدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ، وَحَاجَّتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ، وَكَرْبِي
لَا يُفْرِجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ، وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ،

خدایا، شکستگی‌ام را جز لطف و محبتت جبران نکند و
تهیدستی‌ام را بی‌نیازی نرساند جز مهر و احسانت و هراسم
را جز امان تو آرام ننماید و خواری‌ام را جز توانایی‌ات به عزت
تبدیل نکند و مرا جز فضل‌ت به آرزویم نرساند و شکاف فقرم
را جز احسان تو پر نکند و حاجتم را کسی جز تو بر نیاورد

و غم‌زدگی‌ام را جز رحمت برطرف ننماید و بدحالی‌ام را جز
مه‌رت نگشاید

وَعَلَّتِي لَا يُبْرِدُهَا إِلَّا وَصْلَكَ، وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ،
وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبُلِّغُنِي إِلَّا النَّظَرُ إِلَيَّ وَجْهَكَ، وَقَرَارِي لَا يَقِرُّ دُونَ
دُنُوِّي مِنْكَ؛ وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ، وَسَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا
طِبُّكَ، وَعَمَمِي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ، وَجُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ،
وَرَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَوَسْوَاسُ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا
أَمْرُكَ .

و سوز سینه‌ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز
دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به
جمالت آب نریزد و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت
برقرار نشود؛ و حسرت‌م را جز نسیم رحمتت برنگرداند و
بیماری‌ام را جز درمانت شفا ندهد و غم‌م را جز مقام قربت
برطرف نسازد و زخم‌م را جز چشم‌پوشی‌ات التیام ندهد و
آلودگی دلم را جز گذشت تو نزداید و وسواس سینه‌ام را جز
فرمانت از میان نبرد، ای نهایت آرزوی آرزومندان،

فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ، وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، وَيَا أَقْصَى
طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَيَا وِلَى الصَّالِحِينَ،

وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا ذُخْرَ
 الْمُعْدِمِينَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ؛ وَيَا
 قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ،

ای غایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب جویندگان،
 ای والاترین رغبت راغبان، ای سرپرست شایستگان، ای امان
 ترسیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره
 ناداران، ای گنج بینوایان، ای فریادرس دادخواهان؛ ای برآورنده
 حاجات تهیدستان و بر خاک نشستگان، ای کریم‌ترین
 کریمان، ای مهربان‌ترین مهربانان،

لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ
 أَنْ تُبَيِّنَ لِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدِيمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ، وَهَذَا
 أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَ لِنَفْحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ
 الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ .

فروتنی و خواهش‌م به پیشگاه توست و زاری و ناله‌ام به‌سوی
 تو، از تو می‌خواهم مرا به نسیم خرسندی‌ات برسانی و
 نعمت‌های نیکویت را بر من تداوم بخشی، من اینک بر
 در خانه کرم‌ت ایستاده‌ام و در معرض نسیم‌های نیکی‌ات

قرار دارم و به رشته محکمت چنگ زده‌ام و به دست‌آویز
 استوارت دست‌آویختم،
 إِلَهِي أَرْحَمَ عَبْدَكَ الذَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ، وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ،
 وَآمَنْنُ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ، وَكُنْفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ، يَا
 كَرِيمُ يَا جَمِيلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا بر بنده خوارت که زبانش گنگ و عملش اندک است
 رحم کن و با احسان پیوسته و برجسته‌ات بر او منت گذار
 و او را زیر سایه بلندت حمایت فرما، ای گرامی، ای زیبا، ای
 مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات دوازدهم: راز و نیاز عارفان

المناجاة الثانية عشرة: مناجاة العارفين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی
 است؛

إِلَهِي قَصَّرْتَ الْأَلْسُنَ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ،
 وَعَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ، وَأَنْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ
 دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَيَّ

مَعْرِفَتِكَ، إِلَّا بِالْعَجْزِ عَن مَّعْرِفَتِكَ .

خدایا، زبان‌ها از ادای ثنایت آن‌چنان‌که شایسته عظمت توست کوتاه است و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است و دیده‌ها از تماشای بزرگی‌های ذاتت درمانده است، برای خلق راهی به‌سوی شناسایی‌ات جز ناتوانی از شناختت قرار ندادی،

إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهَمُّ إِلَيَّ أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَاوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ؛

خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستان‌های سینه‌هایشان استوار و پابرجا شده است و سوز عشقت در کانون دل‌هایشان برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه‌های والا جای گیرند و در گلستان قرب و مکاشفه‌ات می‌گردند و از حوض‌های محبتت با جام ملاطفت می‌نوشند؛

وَشَرَائِعَ الْمُصَافَاةِ يَرِدُونَ، قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَن أَبْصَارِهِمْ، وَانْجَلَّتْ ظُلْمَةُ الرَّيْبِ عَن عَقَائِدِهِمْ وَصَمَائِرِهِمْ، وَانْتَفَتَّ

مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَأَنْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ
 الْمَعْرِفَةِ صُدُورَهُمْ، وَعَلَتْ لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هَمَمُهُمْ،
 وَعَدَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شِرْبُهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ
 سِرُّهُمْ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرْبُهُمْ، وَأَطْمَأَنَّتْ بِالرَّجُوعِ
 إِلَيَّ رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ؛

و در کنار نهرهای صفا وارد می‌شوند، درحالی‌که پرده
 از دیدگان‌شان برداشته شده و تاریکی دودلی از باورها و
 ضمائرشان زدوده گشته و خلجان شک از دل‌ها و باطنشان
 بیرون رفته و سینه‌هایشان با تحقق معرفت، گشوده شده
 و همتشان برای پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر
 زهد، بلندی گرفته و نوشیدنشان در چشمه زلال کردار، گوارا
 شده و باطنشان در مجلس انس، پاکیزه گشته و راهشان
 در جای ترسناک، ایمنی یافته و جانشان با رجوع به رب
 الارباب، اطمینان یافته؛

وَتَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَيَّ مَحَبُوبِهِمْ
 أَعْيُنُهُمْ، وَأَسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ
 فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ .

و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری، یقین یافته و دیدگان‌شان

با نظر به محبوبشان، روشنی گرفته و آرامششان با دریافت خواهش و رسیدن به آرزو، استقرار یافته و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده،

إِلَهِي مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ! وَمَا أَحَلَّى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ! وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ! وَمَا أَعَذَبَ شِرْبَ قُرْبِكَ، فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَحْصَ عَارِفِكَ، وَأَصْلَحَ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقَ طَائِعِيكَ، وَأَخْلَصَ عُبَادِكَ، يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا، چه لذت بخش است در دل‌ها خاطرات الهام گرفته از یادت و چقدر شیرین است پویش به سوی تو با مرکب اندیشه‌ها در راه‌های غیب و طعم عشقت چه خوش و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردند پناه ده و از خاص‌ترین عارفانت و شایسته‌ترین بندگانت و راست‌گوترین فرمان‌برانت و خالص‌ترین پرستندگانت قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای بخشنده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات سیزدهم: راز و نیاز اهل ذکر المناجاة الثالثة عشرة: مناجاة الذاكرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛

إِلَهِي لَوْلَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ
عَلَى أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ
مِقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ
عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَلْسِنَتِنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ
وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ .

خدایا، اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک
نگاه می داشتتم از اینکه ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را
به اندازه کاستی من است نه برازنده کمال تو، شأن و اندازه
من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟
از بزرگ ترین نعمت ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان
ماست و اجازات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و
تسبیح گوئیم،

إِلَهِي فَأَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ، وَأَنْسَنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ،
وَأَسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ وَالسَّعْيِ الْمَرَضِيِّ، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ
الْوَفِيِّ .

خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و روز و پیدا و پنهان و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس فرما و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر و به میزان کامل پاداشمان ده،

إِلَهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ، وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ
الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ؛ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ
النَّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ، أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَالْمَعْبُودُ
فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ، وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ،
وَالْمَعْظَمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ،
وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أَنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ، وَمِنْ
كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ .

خدایا دل‌های عاشق، شیفته تو هستند و خردهای جدای از هم، بر معرفتت گرد آمده‌اند؛ بدین خاطر دل‌ها آرام نگیرند جز به یاد تو و جان‌ها جز به هنگام مشاهدهات راحتی نیابند، تو تنزیه‌شده‌ای در هر جا و پرستیده گشته‌ای در هرگاه

و در همواره روزگار بوده‌ای و به هر زبان خوانده شده‌ای و در هر دلی بزرگداشت شده‌ای و از هر لذتی به جز ذکر تو و از هر آسایشی جز همدمی با تو و از هر شادمانی به غیر قرب

تو و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می‌جویم،

إِلٰهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ وَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾، فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَذَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا، فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا تو گفتی و گفتارت حق است که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گویند» و تو گفتی و گفتارت حق است: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» ما را به یاد کردنت فرمان دادی و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزت و کرامت بخشیدن به ما، ما را یاد کنی، اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می‌کنیم، پس تو نیز به وعدهات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان و ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات چهاردهم: راز و نیاز پناهندگان المناجاة الرابعة عشرة: مناجاة المعتصمين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛

اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ، وَيَا مُنْجِيَ
الْهَالِكِينَ، وَيَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا
مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا كَنْزَ الْمُفْتَقِرِينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ
، وَيَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ، وَيَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ
الْخَائِفِينَ، وَيَا مُعِثَّ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا حِصْنَ اللَّاجِينَ، إِنْ لَمْ
أَعُدْ بِعِزَّتِكَ فَيَمَنْ أَعُوذُ؟ وَإِنْ لَمْ أَلِدْ بِقُدْرَتِكَ فَيَمَنْ أَلُوذُ؟
خدایا، ای پشتیبان پناهجویان و ای پناه پناهندگان و ای
رهایى بخش هلاک شدگان و ای نگهدار بینوایان و ای
مهرورز بی چیزان و ای اجابت کننده درماندگان و ای گنجینه
تهیدستان و ای جبران کننده شکست خوردگان و ای جایگاه
آوارگان و ای یاور ناتوان شمردگان و ای پناهدهنده ترسیدگان و
ای غمگسار غمزدگان و ای دژ پناهندگان، اگر به عزتت پناه
نیآورم پس به که پناه برم و اگر به قدرتت پناهنده نشوم، به

که پناهنده شوم؟ گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت
چنگ زنم و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم، درهای
چشم‌پوشی‌ات را بر من بگشایی؛

وَقَدْ أَلْجَأْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ، وَأَحْوَجْتَنِي
الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ؛ وَدَعَعْتَنِي الْإِسَاءَةَ إِلَى
الْإِنْحَاةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ، وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى
التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ
يُخَذَلَ، وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ .

گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت چنگ زنم و
خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم، درهای چشم‌پوشی‌ات
را بر من بگشایی؛ و بدی‌ها مرا فراخوانده تا به آستان عزتت
بار اندازم و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت
چنگ زنم، کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست
خوار گردد و آن‌که به عزتت پناهنده شده، شایسته نیست
رها گردد یا واگذاشته شود،

إِلَهِي فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ، وَلَا تُعْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ، وَذُنَا
عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَلَكَ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ
خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، أَنْ تَجْعَلَ

عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ، وَتُجَنِّبُنَا مِنَ الْآفَاتِ، وَتُكِنُّنَا
 مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ، وَأَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ، وَأَنْ
 تُغَشِّيَ وُجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ،
 وَأَنْ تُحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ.

خدایا ما را از حمایت محروم مکن و از پوشش رعایتت
 برهنه مساز و از پرتگاه‌های هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه
 توجه تو و در حمایت تو به سر می‌بریم و از تو بیم، از تو
 می‌خواهم به حق خاصان از فرشتگانت و شایستگان از
 بندگان که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکت‌ها
 برهاند و از آفات برکنار دارد و از بلاهای سخت نگهداری کند
 و هم اینکه آرامش خود را بر ما نازل کنی و چهره‌های ما را
 به انوار محبتت پرفروغ گردانی و ما را در پناهگاه محکمت
 پناه دهی و در کناره‌های نگهداری خویش بگنجانی، به حق
 مهر و رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات پانزدهم: راز و نیاز پارسایان

المناجاة الخامسة عشرة: مناجاة الزاهدين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛

إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفَرَ مَكْرِهًا، وَعَلَّقْتَنَا بِأَيْدِي
الْمَنِيَا فِي حَبَائِلِ غَدْرَهَا، فَأَلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا،
وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْاِغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ
طَلَّابَهَا، الْمُتْلِفَةُ حُلَّالَهَا، الْمُحْشُوَّةُ بِالْآفَاتِ، الْمَشْحُونَةُ
بِالنَّكَبَاتِ .

خدایا، ما را در خانه‌ای ساکن نموده‌ای که گودال‌های
فریبش را برای ما آماده ساخته و در شبکه‌های خیانتش
به دست‌های مرگ آویخته، از دام‌های فریبش به تو پناه
می‌آوریم و چنگ می‌زنیم از مغرور شدن به زیورهای
آراسته‌اش به عنایت تو که این دنیا خواهندگانش را هلاک
می‌سازد و واردینش را نابود می‌کند، آکنده به آفت‌هاست،
انباشته از نکبت‌هاست،

إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا، وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ،

وَأَنْزَعْنَا عَنْكَ جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ، وَتَوَلَّأْمُورُنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ؛
 وَأَوْفَرْنَا مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَأَجْمَلْنَا صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ
 مَوَاهِبِكَ، وَأَغْرَسْنَا فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ، وَأَتَمَّمْنَا لَنَا أَنْوَارَ
 مَعْرِفَتِكَ، وَأَذَقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ، وَأَقْرَرْنَا أَعْيُنَنَا
 يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيُوتِكَ، وَأَخْرَجْنَا حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ
 بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

خدايا ما را به دنیا بی رغبت کن و به توفیق و عصمت ما
 را از آن سلامت بدار و جامه های مخالفت را از هستی مان
 برکن و با حسن کفایتت امور ما را سرپرستی فرما؛ و فزونی
 سهم ما را از رحمت گسترده ات کامل گردان و از چشمه سار
 مواهبت عطای ما را نیکو گردان و در سرزمین دل های ما
 درختان محبتت را بکار و انوار معرفتت را بر ما کامل کن و
 شیرینی گذشت و لذت آموزشت را به ما بچشان و دیدگان
 ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما و محبت دنیا را
 از دل ما بیرون کن، آن گونه که درباره نیکوکاران برگزیده ات
 و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی ات ای
 مهربان ترین مهربانان و ای گرامی ترین گرامیان.